



دانشکده‌ی علوم انسانی

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد  
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

عنوان:

غم و شادی در مثنوی

استاد (اساتید) راهنما:

دکتر شکرالله پورالخاص

استاد (اساتید) مشاور:

دکتر بیژن ظهیری ناو

پژوهشگر:

فاطمه محمودی

زمستان ۹۲

## تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادّی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقرّرات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب فاطمه محمودی دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی ۹۰۱۱۱۶۳۱۱۴ که در تاریخ ۹۲/۱۱/۷ از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان غم و شادی در مثنوی دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که (۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.

(۲) مسؤلیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.

(۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.

(۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقرّرات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.

(۵) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هر گونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فنّآوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.

(۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.

(۷) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقرّرات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: فاطمه محمودی

امضا

تاریخ: ۹۲/۱۱/۷



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی  
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد  
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض




**عنوان:**

غم و شادی در مثنوی

پژوهشگر:

فاطمه محمودی

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی **مقبول**.....

امضاء	سمت	مرتبه‌ی علمی	نام و نام خانوادگی
	استاد راهنما و رییس کمیته‌ی داوران	دانشیار	دکتر شکرالله پورالخاص
	استاد مشاور	دانشیار	دکتر بیژن ظهیری
	داور	دانشیار	دکتر رامین محرمی

تقدیم بہ:

پدر دلسوزم بہ خاطر زحمات فراوانی کہ برایم کشیدہ است

مادر عزیزم کہ مہرش را بہ پایم ریختہ

ہمسر عزیزم، بہترینم، بہ پاس محبت ہای بی دریغش

## تقدیر و شکر:

خدای خوب و مهربان را شاکرم که در لحظه لحظه‌های زندگی مرا تنها نگذاشت و در انجام این پایان‌نامه به من توفیق عنایت فرمود.

از استاد محترم و دلسوز راهنما، دکتر شکرالله پورالخاص که در طول این پایان‌نامه مرا یاری دادند، تشکر می‌کنم از استاد ارجمند مشاور، دکتر بیژن ظهیری که مرا از مشاوره‌های سودمندشان بهره‌مند ساختند، کمال قدردانی را دارم.

همچنین از محضر سایر استادان گرانمایه‌ی گروه زبان و ادبیات فارسی، آقایان دکتر رنجبر، دکتر محرمی، دکتر صلاحی، دکتر اسداللهی، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم. سرانجام سپاسگزارم از پدر و مادر عزیزم که در سایه‌ی پر مهرشان بالیده‌ام و همچنین قدردانی می‌کنم از همسر عزیزم که در تدوین این پایان‌نامه زحمتهای بسیاری را متحمل شدند.

فاطمه محمودی

دی ۹۲

اردبیل، ایران

نام خانوادگی دانشجو: محمودی	نام: فاطمه
عنوان پایان‌نامه: غم و شادی در مثنوی	
استاد (اساتید) راهنما: جناب آقای دکتر شکرالله پورالخاص استاد (اساتید) مشاور: جناب آقای دکتر بیژن ظهیری	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
گرایش: محض	دانشگاه: محقق اردبیلی
دانشکده: علوم انسانی	تاریخ دفاع: ۱۳۹۲/۱۱/۷ تعداد صفحات: ۱۴۵
چکیده:	
<p>مولانا یکی از شعرای برجسته‌ای است که به حیات جسمانی و روحانی انسان توجه خاصی مبذول کرده است، او به تمام جنبه‌های زندگی انسان توجه کرده است و اهمیت زیادی برای راهنمایی انسان در جهت هر چه بهتر استفاده کردن از لحظه‌های عمر و زندگی دنیا قائل شده است. مولانا آدمی را به پرهیز از فکر و تخیلات منفی دعوت می‌کند و علت غم‌های آدمی را دور شدن و غفلت از مبدا نور می‌داند و غم را به عنوان هدیه‌ای از خداوند می‌داند که باید بابت آن همیشه شاکر بود، چرا که غم نشانی از رحمت الهی است البته این نوع غم پسندیده است و غم منفی همان غم دنیوی است که بسیاری از انسان‌ها به علت از دست دادن مادیات آن را تجربه می‌کنند و غرق زندگی دنیوی هستند و شادی پسندیده شادی‌ای است که هنگام عبادت و کمک و یاری به هم‌نوع در وجود انسان ایجاد می‌شود و حس رضایت‌مندی را به او می‌دهد. مولانا زندگی را سرشار از شادی می‌بیند و در نظر او جایی برای غم و اندوه منفی وجود ندارد چون مولانا عاشق حقیقی است. تمام نکاتی که مولانا در مثنوی و سایر کتاب‌های خود به آن پرداخته است، همه از فرهنگ اسلامی که غنی‌ترین فرهنگ‌ها است گرفته شده است. مولانا رذایل اخلاقی را موجب غم و حزن و تباه شدن زندگی دنیایی و آخرتی می‌داند که دل انسان را سیاه و روح او را گرفتار و اسیر می‌کند. در این پژوهش سعی شده است غم و شادی را از دیدگاه‌های مختلف مذهبی و روانشناسی و مخصوصاً از نظرگاه مولانا مورد بررسی قرار داده شود تا همگان با تغییر دادن دید خود نسبت به پدیده‌ها و جهان هستی، زندگی را سرشار از خوشی معنوی کنند.</p>	
کلید واژه‌ها: شادی، غم، مثنوی، مولانا	

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	۱-۱- مقدمه .....
۲	۲-۱- بیان مسأله .....
۳	۳-۱- سؤالات اصلی پژوهش .....
۴	۴-۱- فرضیات پژوهش .....
۴	۵-۱- هدف (اهداف) پژوهش .....
۴	۶-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش .....
۵	۷-۱- پیشینه‌ی پژوهش .....
۶	۸-۱- مواد و روش‌شناسی پژوهش .....

## فصل دوّم: مبانی نظری

۸	۱-۲- آفرینش .....
۸	۲-۱-۲- فلسفه‌ی آفرینش انسان از دیدگاه قرآن .....
۱۲	۳-۱-۲- فلسفه و هدف آفرینش .....
۱۳	۲-۲- پیشینه‌ی غم و شادی .....
۱۴	۱-۲-۲- فیزیولوژی شادی و غم .....
۱۵	۲-۲-۲- جلوه غم و شادی در طبیعت .....
۱۵	۳-۲- تاثیر رنگها بر روحیات انسان .....
۱۸	۴-۲- شوخی .....
۱۹	۵-۲- روان‌شناسی خنده .....
۲۱	۶-۲- علل غم و اندوه از دید روان‌شناسان .....
۲۲	۷-۲- مراقبه .....



۲۳	..... ۸-۲ احساس
۲۴	..... ۹-۲ درد
۲۵	..... ۱۰-۲ هیجان
۲۵	..... ۱۱-۲ دینداری
۲۸	..... ۱-۱۱-۲ تاثیر دینداری بر بیماری‌های روانی
۳۰	..... ۲-۱۱-۲ واژه های آرام بخش در قرآن و حدیث
۳۱	..... ۳-۱۱-۲ ایمان
۳۳	..... ۱۲-۲ قبض و بسط
۳۴	..... ۱۳-۲ غم و شادی از نظر مولوی
۳۵	..... ۱۴-۲ زندگی نامه
۳۹	..... 1-14-2 آثار منشور
۳۹	..... ۱-۱۴-۲ عرفان مولانا

### فصل سوم بحث و نتیجه گیری

۴۲	..... ۱-۳ تعریف لغوی غم
۴۲	..... ۲-۳ تعریف اصطلاحی غم و شادی
۴۲	..... ۳-۳ غم و شادی در عرفان
۴۲	..... ۴-۳ غم در قرآن
۴۳	..... ۵-۳ شادی از منظر قرآن و دیدگاه معصومین
۴۴	..... ۶-۳ مفهوم شادی
۴۴	..... ۷-۳ غم و شادی در شعر شعرا
۴۴	..... ۱-۷-۳ سعدی
۴۵	..... ۲-۷-۳ سنایی
۴۵	..... ۳-۷-۳ مولوی
۴۶	..... ۸-۳ علت ناله‌ی مولانا

- ۳-۹- خالق غم و شادی ..... ۴۷
- ۳-۱۰- غم و شادی از امور زودگذر هستند ..... ۴۹
- ۳-۱۱- قبض و بسط ..... ۵۰
- ۳-۱۱-۱- تمثیل تابستان و زمستان ..... ۵۱
- ۳-۱۲- راه‌های دفع بلا و غم و اندوه ..... ۵۲
- ۳-۱۲-۱- صبر ..... ۵۲
- ۳-۱۲-۲- توکل ..... ۵۵
- ۳-۱۲-۳- استغفار و دعا ..... ۵۷
- ۳-۱۲-۳-۱- ضرورت دعا و نیایش از دیدگاه قرآن ..... ۵۷
- ۳-۱۲-۳-۵- شکر ..... ۵۹
- ۳-۱۲-۳-۱-۵- شکر حق از واجبات است ..... ۶۰
- ۳-۱۲-۳-۲-۵- شکر نعمت، نعمت را افزون میکند ..... ۶۱
- ۳-۱۲-۳-۳-۵- شکر خدا و شکر بنده‌ی خدا ..... ۶۳
- ۳-۱۲-۳-۶- صدقه ..... ۶۳
- ۳-۱۲-۳-۷- گریه ..... ۶۴
- ۳-۱۲-۳-۸- توبه ..... ۶۷
- ۳-۱۲-۳-۹- ریاضت و مجاهدت ..... ۶۹
- ۳-۱۳- چه چیزهایی باعث غم و اندوه میشود؟ ..... ۷۲
- ۳-۱۴- دلایل بروز غم و اندوه ..... ۷۲
- ۳-۱۴-۱- غفلت ..... ۷۲
- ۳-۱۴-۲- دنیا ..... ۷۵
- ۳-۱۴-۳- مرگ ..... ۸۰
- ۳-۱۴-۳-۱- مرگ ارادی و ضروری ..... ۸۰
- ۳-۱۴-۴- گناه و معصیت ..... ۸۴

- ۸۵ ..... عمل ۳-۱۴-۵
- ۸۷ ..... درد طلب ۳-۱۴-۶
- ۸۹ ..... درد است که آدمی را رهبر است ۳-۱۴-۶-۱
- ۹۰ ..... دوری از پیر ۳-۱۴-۷
- ۹۱ ..... احوال پیر ۳-۱۴-۷-۱
- ۹۳ ..... تسلیم پیر بودن ۳-۱۴-۷-۲
- ۹۴ ..... فکر و خیال ۳-۱۴-۸
- ۹۴ ..... خیال بافی ۳-۱۴-۸-۱
- ۹۶ ..... رذایل اخلاقی به وجود آورندهی غم ۳-۱۵-۱
- ۹۶ ..... تکبر و خودبینی ۳-۱۵-۱-۱
- ۹۹ ..... حرص و طمع ۳-۱۵-۲
- ۱۰۳ ..... شهوت ۳-۱۵-۳
- ۱۰۶ ..... حسد ۳-۱۵-۴
- ۱۱۰ ..... نداشتن ادب ۳-۱۵-۵
- ۱۱۱ ..... عادت ۳-۱۵-۶
- ۱۱۲ ..... بدگمانی ۳-۱۵-۷
- ۱۱۳ ..... ظلم ۳-۱۵-۸
- ۱۱۴ ..... چه کسانی بیشتر محزوناند ۳-۱۶-۱
- ۱۱۶ ..... راههای کسب شادی ۳-۱۷-۱
- ۱۱۶ ..... سماع ۳-۱۷-۱-۱
- ۱۱۸ ..... عشق ۳-۱۷-۲
- ۱۱۹ ..... عشق حقیقی و مجازی ۳-۱۷-۲-۱
- ۱۲۰ ..... عشق طیب امراض ۳-۱۷-۲-۲
- ۱۲۱ ..... عشق تعریف نشدنیست ۳-۱۷-۲-۳

- ۱۲۲.....عشق باعث تزکیه انسان است..... ۳-۱۷-۲-۴
- ۱۲۳.....خدمت به خلق..... ۳-۱۷-۳
- ۱۲۴.....او میدواری به خدا..... ۳-۱۷-۴
- ۱۲۵.....شراب (می عشق)..... ۳-۱۷-۵
- ۱۲۶.....تمثیلات غم..... ۳-۱۸-۱
- ۱۲۶.....کژدم..... ۳-۱۸-۱
- ۱۲۶.....مهمان..... ۳-۱۸-۲
- ۱۲۷.....باغبان..... ۳-۱۸-۳
- ۱۲۷.....ابر..... ۳-۱۸-۴
- ۱۲۸.....باغ..... ۳-۱۸-۵
- ۱۲۸.....آیینه..... ۳-۱۸-۶
- ۱۲۸.....فواید غم..... ۳-۱۹-۱
- ۱۲۸.....آزمایش..... ۳-۱۹-۱
- ۱۲۹.....بلا موجب پاکیزگی درون است..... ۳-۱۹-۲
- ۱۳۰.....إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا..... ۳-۱۹-۳
- ۱۳۱.....دفع چشم زخم..... ۳-۱۹-۴
- ۱۳۲.....بلا محک تشخیص..... ۳-۱۹-۵
- ۱۳۲.....بلا و رنج موجب رفع نقایص و رسیدن به کمال..... ۳-۱۹-۶
- ۱۳۶.....نتیجه گیری.....
- ۱۳۷.....فهرست منابع و مآخذ.....

# فصل اوّل:

## کلیّات پژوهش

## ۱-۱- مقدمه

انسان در طول زندگی خود با اتفاقات خوشایند و ناخوشایندی روبه رو می‌شود که این اتفاقات باعث بروز حالت‌هایی مانند غم و اندوه و شادی و نشاط در درون آدمی می‌شود. مولانا به عنوان شاعری عارف این نوع غم‌ها و شادی‌ها را دسته‌بندی کرده است، او دو نوع غم و شادی را مطرح کرده است؛ غم و شادی معنوی و مثبت که پسندیده و باعث کمال انسان می‌شود و غم و شادی دنیوی و نفسانی که نامحمود و ناپسند است. در این پایان‌نامه ابیاتی که در مورد غم و شادی در کتاب کبیر مثنوی آورده شده است مورد تحقیق قرار گرفته تا راه‌گشایی هر چند کوچک در مقابله با مشکلات شود.

## ۱-۲- بیان مسأله

«انسان با اولین گریه‌های کودکانه پا به دنیایی می‌گذارد که آمیزه‌ای از غم و شادی است. گویی تقدیر آدمی چنین رقم خورده است که در انبوه غم‌ها و شادی‌ها، زندگی را تلخ یا شیرین تجربه کند. شاعران و عارفان ایرانی فراتر از غم و شادی به دوست می‌اندیشند» (بهرامیان و جم زاد، بی‌تا: ۱). «اصولا باید گفت که غم و شادی از "انفعالات و کیفیات نفسانی" محسوب می‌شوند. غم در نتیجه‌ی تأثر نفس است از حصول امری مکروه و غالباً غیره منتظره بیرون از تحمل. و شادی زاده‌ی تأثر آن از امری مطلوب و بیشتر نابیوسان و شگفت‌انگیز و بیش از ظرفیت آدمی» (فروزانفر، ۱۳۶۱: ۱۷۱). در روایات و احادیث هست که معصومان و مومنان حزن و اندوهشان در دل است و شادمانی و سرور در چهره‌شان. «در تعبیر صوفیه از حزن و غم نیز استنباط‌هایی مشابه با آنچه از ائمه و معصومین نقل شده وجود دارد، فی‌المثل از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: حزن از علائم و آثار مردان با معرفت است و آن به خاطر القآت غیبی و واردات بسیاری که به قلوب آنان وارد می‌شود، و هم به سبب امتداد افتخار درک سایه و پوشش بزرگواری و عظمت پروردگار

متعال است. مولانا جلال الدین محمد بلخی، خود را فرح بن فرح می‌داند. مولوی که ماضی و مستقبل را سوخته و فردای نسیه را گردن زده است از ساعت و تلوین رسته است» (سروش، ۱۳۸۰: ۲۵۳). «از آنجا که مولوی اصل درد و سوز و عشق است، به مصایب و ناملايمات دید بسیار مثبتی دارد و در آثار خود، فلسفه‌ی نیکویی رنج‌ها را کراراً بیان نموده است» (مشیدی، ۱۳۷۹: ۱۸۷). «مولانا دو نوع غم و شادی را مطرح می‌کند؛ یکی این سری و دیگری آن سری. در واقع معانی این دو مانند تعبیر خوابی که عکس خود خواب باشد، دقیقاً متضاد همند، آنچه موجب می‌شود تا مولانا اصلی برای غم و شادی این جهان قائل شود این است که او پای بر فرق همه‌ی علت‌ها می‌گذارد یعنی عدم اعتقاد مولانا به علل این جهانی و مادی سبب می‌شود تا وی به غم‌ها و شادی‌هایی که معلول این عللند نیز، بی‌اعتقاد باشد» (بهبهانی، ۱۳۸۳: ۴۷). ما در این تحقیق برآنیم تا علل و عوامل غم و شادی را از نظرگاه مولوی با استخراج ابیات مربوط به این موضوع مورد بررسی قرار داده، تا معلوم و مشخص شود که مولوی بیشتر در مورد غم و شادی دنیوی بحث می‌کند یا غم و شادی معنوی. و چقدر این موضوع (غم و شادی) در ارتقاء معنوی انسان تاثیر دارد و می‌تواند به سرمنزل مقصود خود برساند؛ تبیین دیدگاه مولانا در دوره‌ای که اندوه و غم بر زندگی مردم سایه‌افکنده است می‌تواند راهگشای انسانها در زندگی باشد و به جای مایوس کردن انسانها و از بین بردن امید به زندگی در آنها راهی به سوی رسیدن به شادی باشد، بنابراین تحقیق در این مورد ضروری به نظر می‌رسد.

### ۳-۱- سؤالات اصلی پژوهش

- ۱- آیا در مثنوی مولوی، بسامد غم بیشتر است یا شادی؟
- ۲- علل و عوامل ایجاد غم و شادی از نظر مولوی چیست؟
- ۳- دیدگاه مولانا در مورد غم و شادی چیست؟

## ۱-۴- فرضیات پژوهش

مولوی نه تنها به غم و ناخوشایندیها به دید منفی نمی‌نگرد، بلکه غم را سرآغاز پیدایش گشایش‌ها و شادی‌ها می‌داند، به همین دلیل به استقبال غم می‌رود. عوامل ایجاد غم از نظر مولانا زیاد است از جمله می‌توان به دوری از پیر اشاره کرد، یا همانطور که در ابتدای دفتر اول هم به آن اشاره کرده است دوری از نیستان باعث ایجاد غم در او و سایر انسانها شده است. بنابراین انتظار می‌رود که در استخراج و مطالعه‌ی ابیات مربوط به غم و شادی، بیشتر با نظر و دید مثبت مولانا نسبت به این موضوع رو به رو شویم.

## ۱-۵- هدف (اهداف) پژوهش

- ۱- آشنایی با اندیشه‌های مولانا در مورد غم و شادی.
- ۲- معرفی عوامل ایجاد غم و شادی از دیدگاه مولانا.
- ۳- ارائه‌ی دلایل مولوی در مورد سودمندی غم و اندوه.

## ۱-۶- ضرورت و اهمیت پژوهش

آدمی در دنیایی که سراسر از غم و رنج است به دنبال یافتن روزه‌ای برای رهایی از اندوه زندگی مادی می‌گردد. افسردگی و انحطاطی که در همه جا حاکم شده است، موجب شده تا اندیشمندان به دنبال راهی برای هر چه بیشتر مفرح‌تر کردن زندگی باشند. «مولانا به عنوان شاعری عارف مسلک نسبت به همه‌ی مسایل دید مثبتی دارد؛ در نظر او حتی ناملايمات برای آدمی مفید و سودمند است؛ تعالیم متفاوت شمس از یک سو و منش عارفانه مولانا و شور و شوق روحانی وی از سوی دیگر او را در ردیف شادمانه‌ترین عارفان ایران زمین قرار داده است» (بهرامیان و جم زاده، بی‌تا: ۱). لذا با مطالعه و بررسی آثار این عارف بزرگ و آشنایی هر چه بیشتر با عقاید و اندیشه‌های او می‌توان از جنبه‌های دیگری به زندگی نگاه کرد؛ بنابراین ما در این تحقیق می‌خواهیم دیدگاه مولانا را نسبت به غم و شادی تدوین و تبیین کنیم تا بدین وسیله به شناخت عمیق‌تر اندیشه‌های والای مولانا نائل شویم.



## ۱-۷- پیشینه‌ی پژوهش

نوشته‌ها و کتاب‌های متعددی در زبان فارسی درباره‌ی شاعر بزرگ مولانا به رشته‌ی تحریر در آمده است. مهم‌ترین منابع مربوط به این موضوع به شرح ذیل است:

درگاهی (۱۳۷۹) در کتاب «*رسول آفتاب*» در باب اندیشه و جهان بینی مولانا بحث کرده است. نویسنده به این نتیجه رسیده است که مولوی بر کنار از درد و داغ آدمیان، در واحه‌ی تنها و دور افتاده‌ی خویش تنها بر یک آیین می‌زید و آن آیین شادی و شوریدگی است و معتقد است که نسخه و تجویزی که مولوی در مورد غم‌های زندگی می‌آورد، برای انسان‌ها هیچ کارایی و چاره‌گری نمی‌تواند داشته باشد.

مشیدی (۱۳۷۹) در کتاب «*کلام در کلام مولوی*» در مورد دیدگاه مولوی بحث کرده و ضمن بر شمردن دیدگاه‌های فرقه‌هایی از قبیل اشاعره، شیعه در مورد بلاها و مصیبت‌ها از منظری دیگر به دیدگاه مولانا پرداخته است.

ظهیری و شفیقی (۱۳۸۵) در مقاله‌ی خود با عنوان «*قبض و بسط و مفهوم آن در غزلیات شمس*» با بررسی غزلیات شمس معتقدند، به دلیل اینکه مولانا عشق را در همه جا ساری و جاری می‌بیند بر روحیه‌ی بسط‌گرایی تاکید بیشتری دارد و هرگز خود را در برابر اندوه و غم تسلیم نمی‌کند، و به این نتیجه رسیده‌اند که مولانا مطلقاً عنصر غم را نمی‌شناسد و مانند شحنه‌ای در جستجوی آن است ولی غم از او فرار می‌کند و یارای مقابله با او را ندارد.

بهبهانی (۱۳۸۳) در مقاله‌ی خود با عنوان «*غم و شادی در مثنوی*» هستی و غم و شادی را از دیدگاه مولانا و از نظر اولیا و عرفا و انسان‌های معمولی بررسی کرده است؛ و به این نتیجه رسیده است که با وجود اینکه مولانا مثنوی را با بیان هجرت و فراق آغاز کرده؛ ولی او شاعر شادی است؛ زیرا در هیچ جای سخن او ردّ پای از یاس و غم دیده نمی‌شود. اما در این مقاله به طور کامل و جامع به این موضوع پرداخته نشده است و

تنها به صورت گذرا به انواع غم و شادی اشاره شده است؛ اما ما در این تحقیق به طور مفصل به این موضوع با بررسی کامل و استفاده همه جانبه از کتاب‌های مربوطه خواهیم پرداخت.

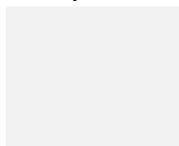
عصمت عامری (۱۳۸۸) در رساله‌ی کارشناسی ارشد خود تحت عنوان « بررسی غم و شادی در غزلیات شمس » اظهار می‌دارد، هر چند مولوی در ابتدا تحت سیطره‌ی روحیه‌ی حاکم بر زمانش، تصوف مبتنی بر قبض را برگزیده بود اما با سلوک در تصوف بسطی و عرفان عاشقانه، شادی و طرب را در درون خود جاری ساخت؛ و نیز بیان می‌دارد که نوع شادی مولوی انفسی است.

#### ۱-۸- مواد و روش‌شناسی پژوهش

شیوه‌ی اجرای این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. روش کار چنین است که در ابتدا کتاب‌ها و تحقیقات مربوط به مولانا و مثنوی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، آنگاه خواندن ابیات مثنوی شروع می‌شود، پس از استخراج ابیات و توضیح آنها، به تنظیم فیش‌های گردآوری شده، پرداخته شده و در نهایت نیز مطالب گردآوری شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در ساختار و قالب پایان‌نامه تنظیم و تدوین خواهد شد.

# فصل دوّم:

## مبانی نظری



## ۲-۱-آفرینش

گفتار اندر آفرینش عالم

از آغاز باید که دانی درست  
سر مایه گوهران از نخست  
که یزدان ز ناچیز چیز آفرید  
بدان تا توانائی آرد پدید  
سر مایه گوهران این چهار  
برآورده بی رنج و بی روزگار  
یکی آتشی بر شده تابناک  
میان آب و باد از بر تیره خاک

(فردوسی، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۵)

«نکته اصلی در نگرش مولوی به آفرینش، همان اندیشه‌ی آفریدن از نیستی است- خداوند همه چیز را از عدم، از هیچی، یا از نیستی ایجاد کرده است. او، در موارد بسیار نادر ادعا می‌کند که عدم، هستی نمی‌پذیرد-» (شimmel<sup>1</sup>، ۱۳۷۰: ۳۳۵).

## ۲-۱-۲- فلسفه‌ی آفرینش انسان از دیدگاه قرآن

«به طور کلی هدف از آفرینش جهان هستی، انسان است و آسمان و زمین و هر چه در آن‌ها است برای انسان خلق شده و خداوند آن‌ها را مسخر انسان قرار داده است. لذا انسان محور و گل سرسبد جهان هستی است و او است که افضل و اکمل موجودات عالم است. آیات قرآن با تعبیر متعددی به فلسفه‌ی آفرینش انسان اشاره دارد: ۱- خلافت؛ ۲- امتحان و آزمایش؛ ۳- رحمت و مغفرت؛ ۴- عبادت و معرفت؛ ۵- تقوا؛ ۶- تذکر؛ ۷- تشکر؛ ۸- تفکر؛ ۹- تعقل؛ ۱۰- هدایت؛ ۱۱- فوز و فلاح؛ ۱۲- رجوع و بازگشت» (فارسی نژاد، دژآباد، ۱۳۸۸).

---

<sup>1</sup>-schimmel